

در ربع قرن آخر شانزدهم — در دوره گذار از
 رنسانس به باروک — در اسپانیا هنرمند نقاشی
 ظهور کرد که نامش را هنرمندان و تاریخ نویسان
 هنر در صدساله اخیر با تحسین یاد کرده اند. وی

ال گرکو، هنرمندی پیر و



سنت ورونیکا، رنگ و روغن روی بوم، ۱۰۳×۷۹ سانتی متر، (۱۶۰۴-۱۶۱۴)، مونیخ.



پرسش شیبانان، رنگ و روغن روی بوم، ۳۴۶×۱۳۷ سانتی متر، (۱۵۹۵-۱۶۰۰)،
موزه هنر، بخارست.

«ال گرکو» EL Greco است که از جزیره کرت، از طریق ونیز به تولدو (شهری در اسپانیا) رسید. در همین حال، می توان گفت که وی راهش را از کشیدن شمایل‌های مذهبی (Icon) آغاز کرد و با گذشتن از آتلیه تیسین هنرمند مشهور دوره رنسانس، به دید خاص او که قوانین کامل خود را داشت، رسید.

نام اصلی او «دومنیکوس توتوکوپولوس» بود و در اسپانیا به «ال گرکو» مشهور شد.^۱

وی در ۱۵۴۱ در جزیره کرت نزدیک کاندیا به دنیا آمد. هنوز به سن بلوغ نرسیده بود که به آتلیه تیسین پیر راه یافت. می دانیم که در آن جا به استادش در کشیدن نقاشی «لورنس مقدس» کمک کرد. استاد از شاگردش بی اندازه راضی بود، اما او به همین قدر نمی توانست قناعت کند. برای تکمیل هنر خویش به «پارما» و سپس به رم رفت. بعد از اینکه موفق به درک جنبه های هیجان انگیز «باروک» تیسین پیر شد، در پارما، به آموزش تکنیک سایه روشن «گرگیو» Correggio پرداخت. مدتی به عنوان نقاشی منضبط، با پشتکار کار کرد. در رم با آثار شکوهمند و به خاطر ماندنی میکلا آنجلو آشنا شد. گرچه نخستین نقاشی های شناخته شده او — صحنه هائی از کتاب عهد جدید — با شیوه ونیزی طرح ریزی شده، اما حرکات قوی پرستارها، رفتار نرم و فضای جذبه انگیز نقاشی، از همان زمان شخصیت واقعی ال گرکو را نشان می دهد.

در پرتره جولینو کلویو Giulio Clovio استادی او در نقاشی تذهیب و شناخت او از طبیعت انسانی، سخت شگفت انگیز است. در

پرتره «پسری که در آتش می دمد»، چیره دستی خاص او را در بازی نور نشان می دهد. اینها چیزی نیست جز تلاش های نخستین او و تظاهر اختصاصات اولیه ای که آثار بزرگ او را تمایز می بخشد؛ یعنی حرکات قوی، چیره دستی او در تکنیک، شناخت عمیقش نسبت به انسان.

نقاش در ۱۵۷۷ به تولدو مهاجرت کرد. گر چه به او «ال گرکو» (یونانیایی) می گفتند، اما او همیشه آثارش را با نام «دومنییکوس تئوتوکوپولوس»^۲ امضاء می کرد و بالای آن نام خود را با حروف یونانی می نوشت. فیلیپ دوم، در حقیقت، می خواست نقاشانی چون «تینتورتو» و «ورونس» را به اسپانیا دعوت کند، اما این سرآمدان هنر زمان، راضی به ترک ایتالیا نشدند. شاید مهاجرت گرکو برحسب «اتفاق» صورت گرفته باشد، اما این نیز قابل یادآوری است که خلق و خوی او با حالت معنوی اسپانیا در آن عصر عمیقاً سازگاری داشت.

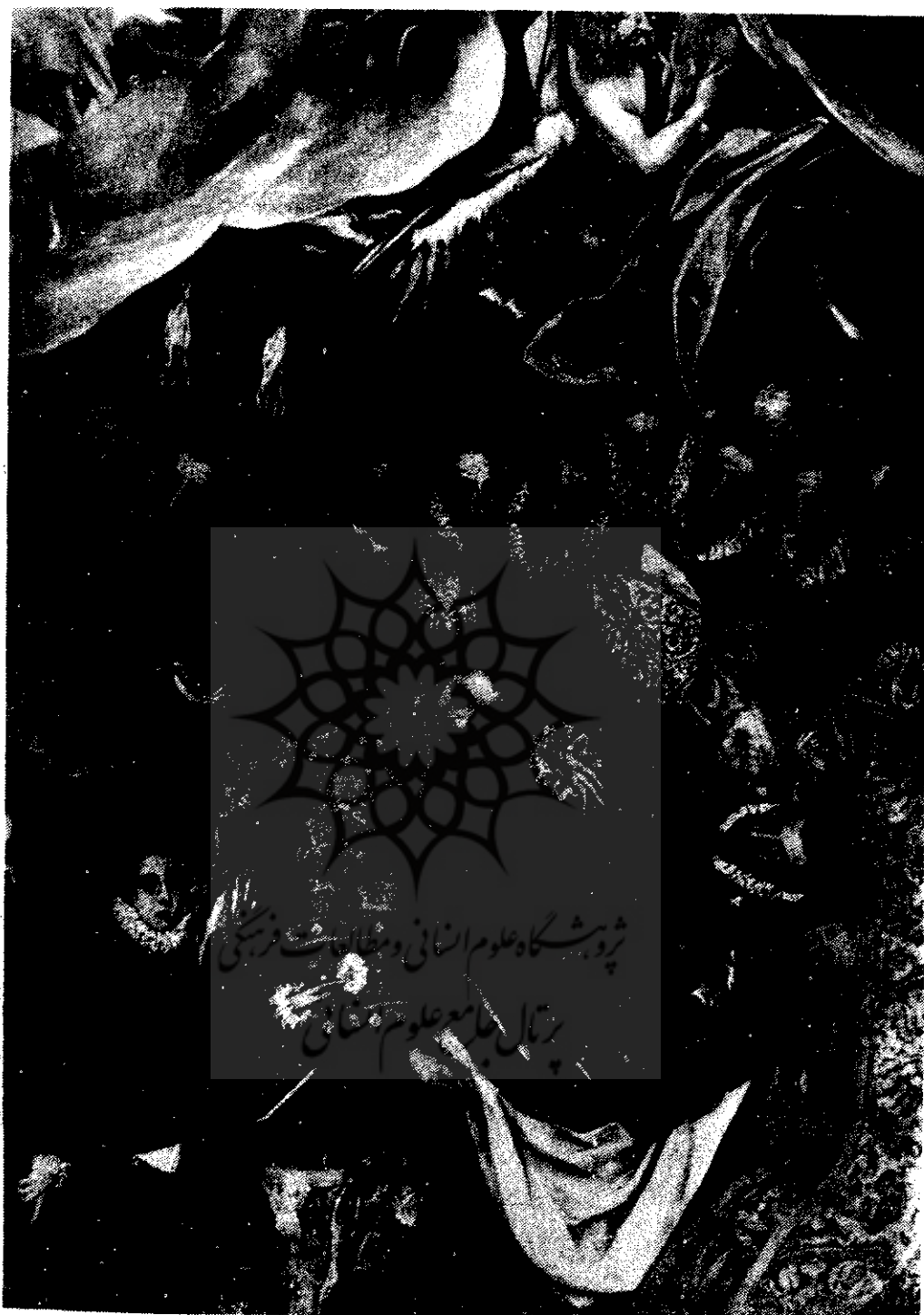
بی شک وی با خلق آثاری در صومعه تولدو، توانست توجه پادشاه را جلب کند. چیزی نگذشت که این «یونانی» تازه وارد سفارشی از دربار دریافت کرد. گر چه تابلوهائی که بنا به این سفارش ساخت (مانند رؤیای فیلیپ دوم، شهادت سنت موریس) به علت دنیای پیچیده نمادینشان، مورد پسند واقع نشدند، اما صریحاً هم رد نگردیدند.

این استاد بلامبارز که همیشه بر یونانی بودن خود تأکید داشت، در اسپانیا از اقتدار معنوی و مادی برخوردار بود. وی در آن واحد — حتی بدون سفارش — روی چندین تابلو کار می کرد و چنین

بود که در لحظه مرگ صدها تابلو ناتمام از خود به جای گذاشت. بارها بر سر حق الزحمه، کارش به محاکمه کشید. وقتی که «مراسم تدفین کنت اورگاز» را به او سفارش می دادند، خواستند مبلغی کمتر به او بپردازند؛ مجبور شد قیمت را بالا تر ببرد. خانه اش در محله قدیمی کلیمی ها بود؛ جائی که برگزیدگان تولدو برای برخورداری از مصاحبت آن هنرمند با فرهنگ می آمدند. در کتابخانه وی گذشته از آثار آباء کلیسا، نوشته های نویسندگان کلاسیک یونان و لاتین دیده می شد. با توجه به آنچه «پاکه کو» Pacheco — پدرزن «ولاسکز» — نوشته، ال گرکو به تحقیق درباره تئوری هنر نیز اشتغال داشته، اما متأسفانه نوشته ای از وی در این زمینه باقی نمانده است. از او چند طرح معماری بجا مانده است.

مرگ او معاصرانش را عزادار کرد. گنگورا Góngora در غم از دست رفتن او «سونات وداع» را سرود و در آن نبوغ خارق العاده او را ستود.

عصر ال گرکورا به دوره ضد رفورم می توان شناخت. در اسپانیا تعلیمات لوتریا کالوین توفیقی نمی توانست کسب کند. بازماندگان اعراب و کلیمی ها بناچار غسل تعمید یافته بودند. «تفتیش عقاید» به همه جا سر می کشید و هیچ بدعتگراری از چشمش دور نمی ماند. نقاشی نیز از این قاعده سانسور مستثنی نبود. مذهب کاتولیک در اسپانیای قرن هفدهم، آمیزه ای عجیب از ترس از دستگاه قضائی — که همه چیز را زیر نظر داشت — و ایمان بی چون و چرا به



مراسم تدفین کنت اورگاز (مستی از اثر)، رنگ و روغن روی بوم، ۳۶۰×۳۸۰ سانتی متر، (۵۸۶-۱۵۸۸)، کلیسای سنت توما، تولدو.



درمان کور مادرزاد، رنگ لعابی روی چوب، ۵۹×۵۱ سانتی متر، (۱۵۷۰-۱۵۷۵)، ناپل.

مذهبی و چهره‌های آزاد نظیره‌های متعددی می‌ساخت. گذشته از دلایل اقتصادی، نقاش راهی برای کاملتر ساختن نمونه‌های خود می‌جست. به‌عنوان مثال، می‌توان از پرده «پرستش شبانان» نام برد که از آن نظیره‌های مختلفی در پرادو و موزه هنرهای بخارست وجود دارد. نظیره موجود در مادرید، مقبره نقاش را در تولد و مزین می‌کرده است. این نقاشی نشأت آور از لحاظ رنگ، از غنای بی نظیری برخوردار است. نور از کودک خوابیده ساطع شده و شبانان را در برمی‌گیرد. هنرمند از مدتها پیش از این، به مسأله نور در نقاشی توجه داشته و یکی از نخستین خلاقیت‌های مهم او، تابلوی «پسری که در آتش

کلیسا بود. در پاره‌ای اشعار راهبان و راهبه‌ها شوری هیجان‌آور، برای «یاری» به مردم دیده می‌شود تا «بدیهای این جهانی» را فراموش کنند. و این بدان جهت بود که در آن عصر بر قدرت سیاسی اسپانیا ضربات جبران‌ناپذیری وارد شده بود: طلائی که از آمریکا به اسپانیا سرازیر می‌شد، نظم طبیعی حیات اقتصادی را برهم زد، و نیروی دریائی ملکه پرتستان انگلستان در ۱۵۸۸ فرمانروای دریاها را نابود کرد. چنین شد که چندین دهه اسپانیائی‌ها رو به کلیسا آوردند و نقاشی نیز چشم به آسمان داشت، تا آنکه ناگهان با ظهور ولاسکز به زمین بازگشت. گرکو غالباً از یک نقاشی، با ترکیبات



پرومئیس شکیانان،
رنگ و روغن روی بوم،
۱۸۰×۳۲ سانتی متر،
(۱۶۱۲-۱۶۱۴)،
پرادو، مادرید.

می‌دمد» است؛ با این تفاوت که در «پرستش شبانان» نور دیگر هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است برای بیان نظرات هنری او.

بیشتر تاریخ‌نویسان هنر، ال گرکورا هنرمندی شیوه‌گرا (manierist) می‌شناسند؛ حتی اگر این نقطه نظر را بپذیریم، باید از آن، هر تکیه تحقیرآمیزی را بزدائیم؛ گرچه این عقیده واساری Vasari دیگر قابل قبول نیست که شیوه‌گرایی هنری است که بدون در نظر داشتن عمق حیات رنسانس، جهان سطحی رنسانس متأخر را به کار می‌گیرد. امروز دیگر شکی باقی نمانده که شیوه‌گرایی، مکتب هنری مستقلی است که در اواخر قرن شانزدهم و اوائل قرن هفدهم متبلور شد و از لحاظ کیفی بر آثار ال گرکو استوار است. مثلاً ترکیب‌بندی تابلوی محفوظ در موزه بخارست، گرچه نمونه‌هایی از آن در بین آثار نقاشان ایتالیایی دیده می‌شود، اما بروشنی می‌توان دید که ال گرکو از آنها تقلید نکرده، بلکه مدلهایش را کاملاً بازسازی کرده است.

«تدفین کنت اورگاز»^۳ از مشهورترین آثار ال گرکو است که در حدود ۱۵۸۵ آفریده شده، که در کلیسای «سانتوتومه» واقع در تولدو از آن نگهداری می‌شود. تابلو همچون کلیسائی گوتیک پایه‌ریزی شده است. در این تابلو آسمان و زمین، رویا و حقیقت، به هم تافته شده و در مراسم تدفین کنت پارسا، معجزه‌ای در حال وقوع است. جسم بی‌جان او قبل از اینکه توسط اسقف‌های این جهانی لمس شود، توسط قدیسینی چون استفن و اگوستین در قبر گذاشته می‌شود. در قسمت بالای

پرده نقاشی، آسمان گشوده شده و فرشته‌ای بالدار روح او را به جانب ساکنان ملکوت و عیسی مسیح ملیس به جامه‌ای سفید، می‌برد. با این همه، دنیای زمینی با همه تار و پودش، متعلق است به عزادارانی که لباس عزا پوشیده‌اند. هر کدام از آنها، تصویر آدمی است که دقیقاً می‌دانیم نامش چیست. این تصویر عارفانه به این گونه، نه تنها به زمین می‌پیوندد، بلکه یادآور مقامات بلندپایه یک شهر شناخته شده است.

چهره‌های کشیده این پرده به نحوی با چهره‌هایی که ال گرکو در نقاشی‌های دیگر تصویر کرده است، شباهت دارند و همین امر او را در عداد استادان مسلم نقاشی قرار می‌دهد. دو چهره بسیار ظریف در این پرده یکی مربوط به همسر او و دیگری که در عزای اورگاز می‌گرید، فرزند اوست. در بسیاری از آثار او «اتوپرتره» نقاش مکشوف است (مثلاً پیرمردی که سمت راست اسقف در پرده «نامزدی باکره» دیده می‌شود).

اوج هنر وی در ارائه چهره انسانی، در پرتره‌های مردان شناخته شده‌ای تحت عناوین قدیسین دیده می‌شود: (برونیم مقدس—لندن؛ آندره مقدس—بوداپست؛ لوکای مقدس—تولدو؛ فیلیپ مقدس—نیویورک و مخصوصاً پرتره مأمور تحقیق و ضد رفورم به نام نینود گونه‌وارا).

ال گرکو نه تنها استاد مسلم چهره‌پردازی و روانشناسی چهره‌ها به شمار می‌رفت، بلکه هر چند شگفت می‌نماید در نقاشی منظره نیز سرآمد بود. در این باره کافی است فقط پرده گئورگه مقدس را در نظر بیاوریم. ال گرکو در این

نقاشی، سنتی بسیار قوی از خود بجای گذاشته، چه رسد به منظره تولد و مناظری از کتاب عهد جدید. کار او در نقاشی دو تابلو از منظره شهر کاملاً نو است. او در یکی از این تابلوها، در کنار منظره، نقشه شهر را نیز کشیده و منظره را قدری

جرح و تعدیل کرده؛ بدینگونه که یکی از ساختمانها را جابجا کرده که جلوی ساختمان دیگر را نگیرد (تولد، موزه آل گرکو). در تابلوی محفوظ در مترو پولیتن نیویورک، برفراز شهر بنا شده در زیر کوهستان، ابرهای تیره جمع شده است.

نامزدی باکره، رنگ و روغن روی بوم، ۱۱۰×۸۳ سانتی متر، (۱۶۱۴-۱۶۱۱)، موزه هنر بخارست.





پرمش مجوسان، رنگ و روغن روی بوم، ۱۱۷×۹۳ سانتی متر، (حدود ۱۵۷۰)، وین.

مرگش خیلی زود از خاطره‌ها محو شد، اما در قرن بیستم نامش دوباره بر سر زبانها افتاد.

سالشمار زندگی ال گرکو

۱۵۴۱- در «فودله» نزدیک «کاندیا» (کرت) زاده شد.

۱۵۶۰- ال گرکو در ونیز با تیسین، تینتورتو و یا کوب

داپونته آشنا شد. (احتمالاً) زمانی کوتاه در

آتلیه تیسین کار کرد و سپس در آتلیه یا کوب

داپونته (در باسانو نزدیک ونیز) به کار

پرداخت.

۱۵۷۰- ال گرکو ونیز را ترک کرد و به رم رفت. در

رم با جولیو کلوویو (مینیاتوریست) آشنا شد.

۳- ۱۵۷۰- در رم به کار مشغول بود. نقاشی آثاری

تابلوی تولد و در توفان، منظره‌ای عاطفی است و همان قدر برانگیزاننده احساسات که راهها و مزارع وان گوگ محاط به درختان از ریخت افتاده توفان. تولد و در توفان را نه تنها می توان «اتوپرتره» به حساب آورد، بلکه اعترافنامه زمان خویش است.

شور و هیجان و ژرف بینی ال گرکو نه تنها به شاگردان و پیروانش انتقال نیافت، بلکه پسرش نیز از آن بی بهره ماند. شاگرد برگزیده او «تریستان د اسکامیلا» (۱۶۲۴-۱۵۶۸) توانست فقط بعضی از خصوصیات هنر استاد را در کارهای خود حفظ کند. با آنکه ال گرکو پس از

چون: پسر در حال دمیدن به آتش، برتره جوليو كلويو، عيسى تاجران را از معابد برون مي‌كند، شفای كور مادرزاد.

۱۵۷۳- ال گرکوبه اسپانيا وارد شد.

۱۵۷۶- درگذشت تيسين.

۱۵۷۶-۷- ال گرکودر مادريد و سپس در تولدو، جائی برای همه عمر اقامت گزید. برای نقاشی محراب کلیسای سانتو دومينگو ال آنتیگو و تابلوی «اسپولیو» برای کلیسای تولدو، سفارش گرفت.

۱۵۷۸- فرزند ال گرکو و جرونيم دلاس کوواس به نام «يورگه مانويل» زاده شد. درگذشت جوليو كلويو

۱۵۷۹- نقاشی «اسپولیو» به اتمام رسید.

۱۵۸۰- سفارش پرده «شهادت سنت موريس» از سوی فيليپ دوم برای کلیسای اسکوريال.

۱۵۸۳- ال گرکوبابت پرده «شهادت سنت موريس» ۸۰۰ دوکات دریافت می‌کند.

تابلو موردپسند فيليپ دوم قرار نگرفت.

۱۵۸۵- ال گرکودر قصر مارکيزد ویله ناس ساکن شد.

۱۵۸۶- اتمام تابلوی «تدفین کنت اورگان».

۱۵۸۸- دادخواست شورای کلیسای سانتوتومه برای بهای تابلوی «تدفین کنت اورگان».

دادگاه به نفع ال گرکورای می‌دهد.

شکست نیروی دریائی اسپانيا از انگليس.

۱۵۹۱- نقاشی محراب کلیسای تاوالرا.

۱۵۹۴- درگذشت تیتورتو.

۱۵۹۶- سفارشی برای نقاشی محرابی در مدرسه ماریا دآراگون (مادريد) می‌پذیرد.

۱۵۹۷- سفارشی برای نقاشی کلیسای سن خوزه (تولدو) دریافت کرد.

۱۵۹۸- درگذشت فيليپ دوم. فيليپ سوم به جای

اوبه تخت نشست.

۱۵۹۹- تولد «ولاسکر».

۱۶۰۰- نقاش محراب مدرسه ماریا دآراگون را به اتمام می‌رساند.

۱۶۰۳- پرده «سن برناردو سی نیا» را برای مدرسه سن برناردینو (تولدو) نقاشی کرد. سفارشی برای نقاشی محراب کلیسای بیمارستان «کاریداد».

روبنس برای مأموریت سیاسی به اسپانيا وارد شد.

۱۶۰۶ تولد رامبراند.

۱۶۰۷- دادخواست مربوط به نقاشی محراب بیمارستان کاریداد. شهرداری تولدو به او چند پرده نقاشی برای کلیسای سن ویسنته سفارش می‌دهد.

۱۶۰۸- قراردادی در مورد ترکیب محرابهای کلیساهای بیمارستان سن خوان باتیستا منعقد می‌کند.

۱۶۱۴- ال گرکودر هفتم آوریل این سال درگذشت. او را در کلیسای سن دومينگو ال آنتیگو با خاک سپردند.

«انتشاردن کیشوت»

۱۶۱۶- درگذشت سروانتس.

ترجمه: محمد فرهاد خواجه نوری

حواشی:

۱- در زبان اسپانیایی به یونان Grec می‌گویند Greco معادل یونانی است. EL حرف تعریف است.

۲- Domeniōs Theotokopoulōs

۳- کنت اورگان در ۱۳۲۳ درگذشته بود.